

چرا وقتی سهامتان را میفروشید، رشد میکند؟

واقعیت این است که در یک روند صعودی، طبعاً وقتی تمام کسانی که ممکن بود ترغیب به خرید شوند، اقدام به خرید کردند و دیگر تعداد خریداران از فروشندگان بیشتر نیست، تنها راه، حرکت بورس به سمت پایین خواهد بود. اما اگر شما از آن دسته افرادی باشید که مسائل را با دید منطقی بررسی می‌کنند، وقتی قیمت سهامتان کاهش می‌یابد، هیجان زده نمی‌شوید. بلکه با نگاه به گذشته، به این نتیجه می‌رسید که قیمت این سهام نمی‌توانست تا ابد رو به افزایش باشد، در حالی که ارزش آن بدون تغییر باقی بماند. در این هنگام با خود می‌اندیشید که کاهش قیمت‌ها احتمالاً روندی موقتی است. اما از این پس هر روز این روند نزولی بیشتر و بیشتر می‌شود. بعد از این که این روند به مدت یک هفته یا ده روز ادامه یافت، باز هم همان استدلال منطقی را که هنگام صعود قیمت‌ها داشتید تکرار می‌کنید.

اکنون با خود می‌اندیشید احتمال دارد این روند نزولی تا زمان نامعلومی ادامه یابد اما درست همان روزی که اقدام به فروش می‌کنید، پایان دوران رکورد فرا می‌رسد! زیرا شما تنها فردی نیستید که در نهایت از ترس اقدام به فروش کرده اید شما نمونه‌ای از یک فرد عادی بودید و هر کس دیگری مثل شما هم اقدام به فروش کرده است. حالا که دیگر هیچ سهامی برای فروش نمانده است، قیمت‌ها دیگر نمی‌توانند بیش از این تنزل پیدا کنند و روند بازار برمی‌گردد.

مقداری از سهامت را بفروش

وقتی فکر می‌کنید زمان آن رسیده که بخشی از سهام خود را بفروشید، به لحاظ منطقی بدیهی است که باید سهامی را که قیمت آن به شدت بالا رفته بفروشید و سهامی را که هنوز ترقی نداشته نگاه دارید.

استدلال زیادی لازم نیست تا متوجه شوید سهامی که بیش از همه افزایش قیمت داشته اند احتمال ریسک بالایی دارند، اما سهامی که بدون تغییر مانده اند احتمال تنزل قیمت کمتری دارند. بنابراین اگر آن‌هایی را که رو به ترقی دارند بفروشید و سایر سهام خود را نگاه دارید، وقتی آن‌هایی که راکد بوده‌اند نیز افزایش قیمت پیدا کنند، این تصمیم در مجموع برایتان سودآور خواهند بود. تنها مشکلی که وجود دارد این است که چنین استدلالی گرچه منطقی است اما اغلب نادرست از آب در می‌آید. علت افزایش قیمت برخی از سهام احتمالاً رشد و توسعه صنعتی بوده که این شرکت نماینده آن است. در نتیجه، احتمال افزایش قیمت این سهام بیش از بقیه است. همین طور سهامی که بدون تغییر مانده معمولاً از ضعفی بنیادین رنج می‌برد. اما شما زمانی که مجبور هستید به خاطر کسب سود، سهامی را بفروشید، طبیعتاً تمایل دارید سودآورترین سهام خود را به فروش برسانید و سهام کم‌بازده را حفظ کنید. لذا با خود می‌گویید: «آنهایی را می‌فروشم که بیش از پولی که برایشان پرداخته‌ام برایم سودآوری داشته باشند و بقیه را نگاه دارم تا آنها هم بازدهی خود را نشان دهند.» از آنجا که شما عادت دارید به نتایج منطقی برسید، در نتیجه سهامی را می‌فروشید که بیشترین سوددهی را برای شما داشته‌اند و آنهایی را نگاه می‌دارید که احتمال سقوط ارزش آنها بیش از ترقی قیمتشان است.

سرنجام درمی‌یابید که مثنی سهام بی‌ارزش را برای خود نگاه داشته‌اید و سهامی که فروخته‌اید بیشتر رشد کرده‌اند. سهامدار بی‌تجربه که صد فقره سهام از قرار هر سهم 15 دلار دارد، به گونه‌ای منطقی با خود می‌اندیشد. «خوب، حتی اگر قیمت این سهام به صفر برسد، من حداکثر 1500 دلار زیان خواهم کرد.» اما اگر این فرد به جای یکصد سهام به قیمت 15 دلار، 10 سهم به ارزش هر سهم 150 دلار داشت، در وضعیت ایمن تری قرار می‌گرفت. سهامی که قیمت آن 15 دلار است، احتمال خیلی بیشتری وجود دارد که ارزش آن یک شبه به 10 دلار نزول کند. اما احتمال این که سهام 150 دلاری در نوسانات بورس به 100 دلار تنزل کند، براساس مطالعات آماری خیلی کمتر است. گذشته از این حقیقت که سهام گران‌تر، از ارزش بیشتری برخوردارند (که اگر غیر از این بود قیمت آنها بالا نبود) این سهام سوی افرادی خریداری می‌شود که دارایی چندانی ندارند؛ یعنی همان کسانی که به راحتی هراسان می‌شوند و در شرایط تنش روانی به سرعت سهام خود را زیر قیمت می‌فروشند. براساس یک نتیجه‌گیری منطقی دیگر، احتمال تنزل قیمت سهام پررونق کمتر از سهام بی‌رونق است.

یک سرمایه‌گذار طبیعتاً مایل به نگهداشتن سهامی است که سود خیلی زیادی عاید وی کند، این طور نیست؟ اما شاید در خلال بازار پررونق چند سال اخیر، به این نکته توجه کرده باشید که در دوران افت قیمت‌ها، سهامی که به بهترین نحوه عمل کرد، همان سهام کم رونق بود. تنها کسانی که هرگز بدون اراده خودشان و تحت تاثیر ترس و هراس اقدام به فروش سهام خود نمی‌نمایند، همان

سهامداران عمده‌ای هستند که قادرند سهام خود را نگاه دارند تا در آینده از آنها سود ببرند و توجهی به بازدهی فوری آن ندارند.



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس 

بازنشر: